

## مقدمه‌ای بر راهبردهای چین با تأکید بر موقعیت ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و شمال اقیانوس هند

حیدر مقدسی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵

### چکیده

تغییر و تحولات سریع و پیچیده الگوهای تعاملی منطقه‌ای و جهانی، و تلاش برای شکل دهی به این معادلات از بعد از فروپاشی شوروی سابق که الگوهای متفاوتی را در ساختار بین‌المللی در نظریه‌های اندیشمندان این حوزه برزوده است، از جمله مسائل راهبردی است که در انواع بازیگران منطقه‌ای و جهانی اعم از دولت‌ها، نهادها، اشخاص ذی نفوذ و ... بین‌المللی حساسیت‌هایی را برانگیخته و اولویت‌هایی را برای تأثیرگذاری بر این تغییر و تحولات در راستای تأمین منافع آتی خود و تعریف نقش خود در الگوی نظم آینده جهان در دستور کار آنها قرار داده است. در این میان «چین» به عنوان یکی از بازیگران اصلی این عرصه در سطوح منطقه‌ای و جهانی مورد رصد و پایش بازیگران مختلف قرار داشته و از جهات گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است. این مقاله با بهره‌گیری از روش آمیخته (اسنادی و تحلیلی محتوا) ضمن بررسی موقعیت‌های مختلف الگویی چین در بُعد بین‌المللی و منطقه‌ای، به تبیین و پیش‌بینی راهبردهای احتمالی این کشور در منطقه غرب آسیا خصوصاً شمال اقیانوس هند و خلیج فارس، مبتنی بر موقعیت ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. این پژوهش با بهره‌گیری از دو الگوی نظری «برخورد تمدن‌ها» و «هانینگتون» و «الگوی تغییر و تحولات ژئوپلیتیکی منطقه‌ای و بین‌المللی» دکتر حافظ‌نیا، به عنوان مبنای تحلیل و ارزیابی راهبردی پژوهش، دو دسته راهبرد «حضور مستقیم» و «حضور غیرمستقیم» چین در منطقه و نیز شرایط دوران گذار منطقه‌ای مورد ارزیابی قرار داده است.

**کلید واژه‌ها:** تغییر و تحولات ژئوپلیتیکی، نظم نوین جهانی، ژئوپلیتیک ایران، دیپلماسی دریایی، افول آمریکا.

**استناد فارسی** (شیوه‌ی APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰؛ شیوه‌ی APSA)

مقدسی، حیدر (زمستان ۱۴۰۲). «مقدمه‌ای بر راهبردهای چین با تأکید بر موقعیت ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و شمال اقیانوس هند». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال ششم، شماره چهارم، پیاپی ۲۴، صص ۱۷۲-۱۴۷.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری رشته مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران. ایمیل: heydar.m2013@gmail.com

کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی CCA (Creative Commons Attribution) نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با رعایت شرایط، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

## ۱. مقدمه

«در نگاه کلان به کل جهان - و از جمله به منطقه - انسان به این نکته‌ی اساسی برخورد می‌کند که نظم مستقر حاکم قبلی دنیا در حال تغییر و تبدیل است؛ این را انسان می‌فهمد و مشاهده می‌کند. خب، وقتی که دنیا در حال تغییر است، نظم جهانی در حال تغییر است و نظم جدیدی در حال نطفه‌بندی است، ما طبعاً وظایف مهم‌تری خواهیم داشت. در نظم جدید عالم، جایگاه اسلام، جایگاه جمهوری اسلامی، جایگاه کشور مهم ما ایران کجا خواهد بود؟ این را می‌توانیم فکر کنیم، پیش‌بینی کنیم، در راه آن حرکت کنیم» (بیانات مقام عظمای ولایت در دیدار با اعضای خبرگان رهبری ۹۳/۶/۱۳).

نگاه تیزبین و نکته‌سنج مقام معظم رهبری در تبیین لزوم شناخت، برنامه‌ریزی و بازیگری فعال در ژئوپلیتیک منطقه‌ای و بین‌المللی و پی‌ریزی و پایه‌گذاری نظم نوین جهانی با محوریت حکومت دینی و الهی در منطقه و جهان مبتنی بر دکترین مهدویت و گوشزد آن به مسئولین نظام حاکی از آن است که شناخت راهبردها و الگوهای راهبردی بازیگران اصلی در منطقه غرب آسیا از اهمیت اولویت بالایی برخوردار است. از این میان چین به‌عنوان کشوری که دارای رابط دیرینه با ایران و منطقه خصوصاً در بعد دریایی، فرهنگی و اقتصادی بوده و از قدیم‌الایام منافع خود را در این منطقه جستجو می‌نموده و از طرفی در شرایط حاضر و روند سریع تغییر و تحولات الگوی تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله بازیگران اصلی این عرصه می‌باشد، بررسی الگوی راهبردی آن در منطقه از اهمیت و حساسیت بالایی برخوردار است. که باتوجه به پیچیدگی‌های ژئوپلیتیکی و سرعت تغییر و تحولات منطقه‌ای و جهانی، هدف این نوشتار تحت عنوان مقدمه‌ای بر الگوی راهبردی چین در نظر گرفته شد. در بررسی بررسی الگوی راهبردی منطقه‌ای چین با تأکید بر موقعیت ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در حوزه خلیج فارس و شمال اقیانوس هند به سؤالات ذیل پاسخ خواهیم گفت.

۱. اهداف راهبردی چین در شمال اقیانوس هند و خلیج فارس کدامند؟
۲. ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی جمهوری اسلامی ایران در منطقه جنوب غرب آسیا، شمال اقیانوس هند و منطقه قفقاز و آسیای مرکزی کدامند؟
۳. سناریوهای محتمل در بعد رفتاری چین کدامند؟

در بررسی موضوع پژوهش که رویکردی آمیخته دارد استفاده از روش کتابخانه‌ای و میدانی و ابزار تحلیل محتوا مدنظر بوده و دو الگوی نظری راهبردی مورد استفاده قرار خواهد گرفت: نظریه‌ی «برخورد تمدنها»ی ساموئل هانتینگتون به‌عنوان الگوی تحلیلی و «الگوی دینامیکی تحولات ژئوپلیتیکی در سطح منطقه‌ای و جهانی» دکتر حافظ‌نیا به‌عنوان الگوی ارزیابی تغییر و تحولات.

## ۱-۱. نظریه برخورد تمدن‌ها

هانتینگتون در توضیح انواع تمدن‌ها و نحوه نبرد آن‌ها، تمدن‌های مسلط عرصه جهانی را به ۹ گروه تقسیم می‌کند: تمدن‌های غرب، اسلامی، آمریکای لاتین، ارتدوکس (روسیه)، آفریقا، بودیست، هند، ژاپن و چین. از نظریه‌ها، همه این تمدن‌ها دارای جمعیت مشخص و تاریخ خاص هستند و آنقدر قوی هستند که بتوانند فرهنگشان را در درگیری‌های ژئوپلیتیک وارد کنند. اگر چه وی انواع مختلف نزاع‌ها را در دنیای امروز به رسمیت می‌شناسد، اما معتقد است نزاع‌های میان تمدنی خطرناکترین نوع هستند و در دنیای جدید گریزی از آن نیست (Huntington, 1996, pp.30-35). هانتینگتون همچنین سه بازیگر اصلی را اینگونه متمایز می‌کند: غرب، اسلام و چین. او از مشاهده همکاری ایران و چین ناخرسند است و از آن با عنوان ارتباط اسلامی-کنفوسیوسی نام می‌برد و معتقد است تمدن غربی بایستی جلوی بسط نظامی‌گری و قدرت اقتصادی دولت‌های مسلمان و کنفوسیوس را بگیرد.

## ۱-۲. الگوی دینامیکی تحولات ژئوپلیتیکی در سطح منطقه‌ای و جهانی (مدل

دکتر حافظ نیا)

مرحله اول: تحول در ساختار ژئوپلیتیکی (منطقه یا جهان)

مرحله دوم: بی‌ثباتی و دوره گذار

مرحله سوم: تغییر ساختار سیاسی فضا (بطور هم‌زمان با مرحله چهارم)

مرحله چهارم: تغییر الگوهای رقابت و همکاری

مرحله پنجم: فضای شکل‌گیری الگوی جدید موازنه قدرت

مرحله ششم: استقرار ساختار جدید ژئوپلیتیکی

مرحله هفتم (نهایی): دگرگونی الگوی موازنه قدرت در جهان یا منطقه (حافظ نیا، ۱۳۹۰).

ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های الگوی برخورد تمدن‌ها شامل «مقدمه دوران گذار آسیا در چشم انداز آینده از منظر راهبردی»، «در بعد جهانی: چین - آمریکا» و «در بُعد منطقه‌ای: «چین، روسیه و آسیای مرکزی»، «چین و هند»، «چین، پاکستان و افغانستان» و «چین و ایران» است.

## ۲. دوران گذار آسیا در چشم انداز آینده از منظر راهبردی

نظم راهبردی آسیا (با تأکید بر شرق آسیا) در دهه‌های آینده در چهار رویکرد استراتژیک قابل تعریف است:

- نظم آسیایی «آمریکا محور» (تداوم نظم کنونی)
- نظم آسیایی «رقابت محور» (رسیدن به یک توازن قدرت منطقه‌ای)
- نظم آسیایی «اتحاد محور» (مانند آنچه که در شکل دهی به اتحادیه اروپا اتفاق افتاد)
- نظم آسیایی چین محور
- سناریوی محتمل

### ۲-۱. نظم آسیایی «آمریکا محور» (تداوم نظم کنونی)

شاخصه‌های این نظم عبارتند از:

- مهار و کنترل نظامی‌گری چین و شرارت هسته‌ای کره شمالی از طریق برتری دریایی آمریکا و متحدانش.
- مهار و کاهش مسائل و چالش‌های امنیتی بالقوه در آسیا یا برتری آمریکا و متحدانش.
- تعمیق و تقویت شکل‌گیری مؤسسات اقتصادی آسیایی و همگرایی اقتصادی حول یک محور اقیانوس آرام به جای یک محور ویژه آسیایی (نظم کنونی)

### ۲-۲. نظم آسیایی «رقابت محور» (رسیدن به یک توازن قدرت منطقه‌ای)

شاخصه‌های این نظم عبارتند از:

- توازن قدرت حاصل از رقابت نامحدود قدرت‌های بزرگ به علت تغییرات روبه رشد در قدرت نسبی. (نظامی و بیشتر اقتصادی)
- کاهش نقش آمریکا در منطقه.

- چرخش آمریکا به درون خود به دلیل چالش‌های بزرگ اقتصادی پیش رو و در نتیجه افول اقتصادی منزوی شدن. بنا به برآورد اتاق فکرهای آمریکایی «نقش مسلط ایالات متحده در سیاست‌های بین‌المللی از برتری فرامرزی‌اش در بیشتر ابعاد قدرت، هم «سخت» و هم «نرم» ناشی شده است. وزن ایالات متحده در اقتصاد جهانی از دهه‌ی ۱۹۶۰م. به طور ثابتی کاهش یافته است، ولی این وزن از اوایل قرن ۲۱ با ارتقاء جایگاه چین در اقتصاد جهانی به گونه‌ای سریع دچار افت

شده است.» لیکن بنا به همین برآورد آمریکایی‌ها معتقدند «طبیعت چند وجهی قدرت ایالات متحده حکایت از آن دارد که حتی با این که چین (احتمالاً طبق برخی پیش‌بینی‌ها تا دهه‌ی ۲۰۲۰م.) از وزن اقتصادی آن پیشی خواهد گرفت ولی این کشور به احتمال بسیار زیاد در سال ۲۰۳۰م. «اول در میان هم‌تایان» در کنار دیگر قدرت‌های بزرگ خواهد ماند...» (۲۰۳۰ در نگاه شورای اطلاعات ملی آمریکا صص ۱۹۹-۲۰۰) [به نظر می‌رسد که در این برآورد نقش تحولات پیش‌بینی نشده بین‌المللی و منطقه‌ای مانند ظهور جریان‌های تکفیری و تحولات سریع منطقه جنوب غرب آسیا و تأثیر شدید آن بر نقش رو به افول آمریکا در نظر گرفته نشده است. نگارنده.]

- تضعیف همگرایی متحدان وهم پیمانان آمریکا در منطقه شرق آسیا.

- تلاش و چرخش آمریکا به حفظ نقش امنیتی خود و اطمینان دهی به متحدان خود در بعد حفاظت از آنان.

- احتمال تلاش برخی از قدرت‌های آسیایی برای دستیابی به سلاح هسته‌ای برای جبران خلاءهای امنیتی ناشی از افول قدرت آمریکا در منطقه و جهان.

## ۲-۳. نظم آسیایی «اتحاد محور» (مانند آنچه که در شکل دهی به اتحادیه اروپا اتفاق افتاد)

شاخصه‌های این نظم عبارتند از:

- تثبیت نظم منطقه‌ای با رویکردی دموکراتیک به دور از تنش و صلح محور.

- تلاش چین به عنوان قدرت اقتصادی منطقه شرق آسیا برای تعمیق رویکردهای اصلاحی در بعد سیاسی (آزادسازی سیاسی).

- توسعه‌گرایی آسیایی به شیوه‌ی تکثرگرایانه که مانع خودمختاری قدرت‌های کوچکتر خواهد شد.

- احتمال تداوم نقش آمریکا به عنوان تضمین‌گر امنیت منطقه. به دلیل تمایل جوامع آسیای شرقی به حفظ آرامش و صلح در منطقه.

## ۲-۴. نظم آسیایی چین محور

شاخصه‌های این نظم عبارتند از:

- بسط محیط تأثیرگذاری چین در منطقه.

- نشستن چین بر صدر نظم سلسله مراتبی منطقه.

- تغییر رویکرد مؤسسه‌سازی آسیایی از منطقه آن سوی اقیانوس آرام (که عامل محرکهٔ پس زمینه‌ای جامعه‌سازی و نظم جوامع این منطقه پس از فروپاشی نظم دوقطبی در جهان بوده است) به یک منطقه انحصاری آسیایی در شرق آسیا.

## ۲-۵. سناریوی محتمل

از میان احتمالات و سناریوهای گفته شده؛ چنانچه هند نتواند خود را مطرح کند: هند هنوز هم برای نقش آفرینی منطقه‌ای و جهانی خود، به دلیل چالش‌های موجود در روابط آمریکا و چین، آمریکا را به‌عنوان مانعی در برابر پیشرفت چین می‌بیند. (گرایش به آمریکا برای مهار حتی محدود چین و خرید زمان برای پیشی گرفتن و یا حداقل ایجاد یک توازن امنیتی - اقتصادی) و یا افول نسبی ژاپن به‌عنوان یکی از کانون‌های مهم و تأثیرگذار اقتصادی در منطقه ادامه یابد. نظم چین محور امکان تحقق بیشتری را خواهد داشت. از طرفی در نگاه آمریکایی‌ها، اگر شرکاء و هم‌پیمانان آمریکا (چه اقتصادی و چه امنیتی) نتوانند و یا نخواهند که توازنی برای قدرت روز افزون چین ایجاد نمایند؛ احتمال ورود مستقیم آمریکا به ریسک رقابت با چین به منظور ایجاد چنین توازنی بسیار بالا خواهد بود.

## ۳. چالش‌های چین در راستای شکل‌دهی به نظم «چین محور»

۱- اگر چین - به‌عنوان کشوری که پس از فروپاشی نظم دو قطبی در جهان و تضعیف و فروپاشی نقش شوروی سابق (روسیه فعلی) در معادلات جهانی، تلاش دارد که به یک قدرت جهانی از ابعاد گوناگون تبدیل شود - نتواند به یک مدل اقتصادی باثبات و مبتنی بر رویکرد چینی دست یابد، در جایگاه یک بازیگر رده‌ی اول آسیایی باقی خواهد ماند.

۲- اختلافات و چند دستگی‌های عمیق ایجادشده بین ناحیه‌ی ساحلی ثروتمند و مناطق داخلی فقیر (تضاد طبقاتی شدید)

۳- تشدید رویکردهای تجزیه‌طلبانه در نواحی دوردست چین (تبت و سین کیانگ).

۴- « معضلاتی همچون: فساد فزاینده، ائتلاف وسیع منابع و نیز نخبگانی قرار دارند که منافع بسیار اندکی در بهبود امور دارند؛ به این معنا که منافع آنها بیشتر در تداوم این نابسامانی‌ها نهفته است. آینده چین بدون اصلاحات سیاسی، نه تنها دموکراسی نیست، بلکه فروپاشی است.... برخلاف مائوئیسم، نئولنینیسم حکومت تک حزبی و کنترل دولت بر بخش‌های کلیدی اقتصاد را با پاره‌ای از

اصلاحات بازار و پایان دادن به انزوای خود ساخته از اقتصاد جهانی در هم می آمیزد، در حالی که دولت مائوئیستی پیوسته مساوات را تبلیغ می کرد و به وفاداری کارگران و روستائیان تکیه داشت. اما دولت نتولنینیستی، عملکردی نخبه گرایانه دارد و پایگاه های حمایتی خود را در میان تکنوکرات ها، نظامیان، پلیس و نیز اقشار جدید اجتماعی همچون متخصصین و کارآفرینان خصوصی و نیز سرمایه ی خارجی جستجو می کند که همه ی از منظر مائویسم مردود شمرده می شدند. بنابراین اگر چه نتولنینیسم، حزب کمونیست چین را منعطف تر ساخته است، اما از دیگر سو، نیروهای درونی تخریب کننده ی آن را نیز تولید کرده است... بسیاری از سیاست هایی که حزب برای تداوم رشد اقتصادی بالا اتخاذ کرده چنان آمیزه ای از ناهنجاری های سیاسی و اجتماعی ایجاد کرده است که در دراز مدت بقای آن را با تهدید جدی مواجه می سازد.» (ماکسیم پی، ۱۳۸۶)

#### ۴. بازتعریف جغرافیای اقیانوسی تا سال ۲۰۳۰م.

با تغییرات در قدرت اقتصادی از غرب به شرق و جنوب و تغییر شرایط آب و هوایی، مرکز جغرافیایی جهان نیز تغییر خواهد یافت. حوزه های اقیانوس آرام و هند، مراکز تجاری با سریع ترین رشد برای مبادله ی کالاها، خدمات و افراد هستند- روندی که تشدید خواهد شد. - باتوجه به افزایش رقابت بر سر منابع، مناطق زیر که دارای منابع غنی طبیعی هستند، نیز از اهمیت نخست برخوردار می باشند:

۱- اقیانوس هند

۲- دریای چین جنوبی

۳- اقیانوس منجمد شمالی

#### ۴-۱. اقیانوس منجمد شمالی تا سال ۲۰۳۰م.

- ۱- امکان ترانزیت در «گذرگاه شمالی» و «شمال غربی» به مدت حدود ۱۱۰ روز در سال وجود خواهد داشت که ۴۵ روز از آن امکان کشتیرانی به آسانی فراهم خواهد بود.
- ۲- با این حال استفاده از اقیانوس منجمد شمالی برای اهداف تجاری به توسعه ی زیر ساخت ساحلی، استانداردهای ایمنی مورد توافق برای کشتی های تجاری و دسترسی پذیری قابلیت های جست و جو و نجات این اقیانوس بستگی خواهد داشت.
- ۳- همزمان، تغییرات آب و هوایی و رویدادهای مربوط، هم چون ذوب یخ اقیانوس منجمد شمالی، به پیشبرد جهانی شدن علاقه به اقیانوس منجمد شمالی کمک خواهد کرد.

۴- «سازمان اطلاعات انرژی ایالات متحده» تخمین می‌زند که اقیانوس منجمد شمالی حدود ۲۲ درصد از منابع کشف نشده نفت و گاز جهان را در خود جای داده است. که البته دارای ریسک، زمان‌بری و هزینه بالا می‌باشد.

#### ۲-۴. دریای چین جنوبی

دشواری تعیین قلمروی کشوری با علاقه‌ی کشورهای ساحلی به بهره‌برداری از شیلات و کنترل منابع انرژی بالقوه تشدید شده است. ادعاهای مالکیتی از سوی چین و چند کشور (ASEAN) ممکن است- اگر تبدیل به درگیری نشود- منجر به مواجهه‌های بیشتری شود. تلاش دولت‌های ساحلی برای افزایش قلمروی دریایی تهدیدی جمعی برای منافع نظامی و تجاری تمام کشورهای حاشیه‌ی دریاها می‌باشد. جزایر سنکاکو در این منطقه مورد نزاع چین، تایوان و کره است. آمریکا با نفوذ در این منطقه با دخالت در موضوع بین سه کشور تلاش دارد نقش منجی و میانجی را به نمایش گذارد.

#### ۳-۴. اقیانوس هند

با این که منطقه‌ی دریایی اقیانوس هند در حال حاضر در رده‌ی پنجم از نه منطقه برای امنیت جهانی پشت سر اروپای شمالی، اقیانوس آرام، خاور دور و دریای مدیترانه / دریای سیاه می‌باشد (طبق طبقه‌بندی انجام‌شده توسط «واحد اطلاعات دریایی لیوید») ولی این منطقه در حال تبدیل شدن به مسیری مهم برای تجارت جهانی و حوزه‌ای برای رقابت ژئوپلتیک می‌باشد. این منطقه دارای ذخایر مواد خام عمده‌ای هم‌چون بوکسیت، کرومیت، زغال سنگ، مس، طلا، سنگ آهن، گاز طبیعی، نیکل، نفت، فسفات، تیتانیوم، اورانیوم و روی است که برای اقتصاد جهانی اهمیتی حیاتی دارد، هم‌چنین ماهیگیری این منطقه نیز نقشی کلیدی در امنیت غذایی و امرار معاش منطقه دارد.

#### ۵. در بُعد جهانی: چین - آمریکا و سه سؤال مهم

##### ۱-۵. تغییر محاسبات بازیگران کلیدی

بحث‌های داغی در میان نخبگان چین با توجه به بسط منافع خارجی این کشور در رابطه با این که چین باید دست از سیاست‌های سنتی‌اش (یعنی پایگاه‌های خارجی یا متحدین نظامی عمده نداشته باشد و در اوضاع داخلی دیگر کشورها مداخله نکند) بردارد، در حال وقوع است. نتایج این بحث‌ها و شاخص‌های حیاتی خواهد بود که آیا چین قصد تبدیل شدن به یک ابرقدرت جهانی را



دارد یا نه که این مهم به نوبه‌ی خود مفاهیم عمده‌ای برای چشم‌انداز رقابت آینده‌ی قدرت‌های بزرگ خواهد داشت.

## ۵-۲. شرق آسیا: آینده‌های استراتژیک گوناگون

رشد اقتصادی شتابنده، تغییرات قدرت شدید، ملی‌گرایی و مدرنیزاسیون نظامی تهاجمی - نه تنها در چین بلکه در هند و در جاهای دیگر - بیش از آنکه رقابت بین قدرت‌های روبه‌ظهور - و با ژاپن - را کاهش دهد، آن را تقویت کرده است. ترس از قدرت چین، رشد ملی‌گرایی در منطقه و پرسش‌های احتمالی درباره‌ی در قدرت ماندن ایالات متحده این تنش‌ها را در دهه‌های آینده تقویت خواهد کرد.

روندهای منطقه‌ای احتمالاً هم‌چنان کشورها را به ۲ جهت سوق خواهند داد: از نظر اقتصادی به سمت چین ولی برای امنیت به سمت ایالات متحده و یکدیگر. از سال ۱۹۹۵م، قدرت‌های آسیایی شامل ژاپن، کره، استرالیا و هند، به تدریج شریک اول تجاری خود را از ایالات متحده به چین تغییر داده‌اند ولی استقلال اقتصادی فزاینده را با «بیمه»ی مداوم روابط نزدیک امنیتی با ایالات متحده همراه ساخته‌اند. این الگو احتمالاً تا سال ۲۰۳۰ ادامه خواهد.

## ۵-۳. ائتلاف‌های آبی

باتوجه به سوق یافتن قدرت اقتصادی به سمت آسیا، [اقیانوس] هند - اقیانوس آرام به‌عنوان مسیر آبی غالب قرن ۲۱ در حال ظهور است، همانطور که دریای مدیترانه در دنیای باستان و اقیانوس اطلس در قرن ۲۰ چنین وضعیتی داشت. هژمونی دریایی ایالات متحده بر مسیرهای دریایی کلیدی جهان، در این‌جا و دیگر اقیانوس‌ها، با تقویت یافتن ناوگان آب‌های آبی چین تضعیف خواهد شد. باوقوع این موضوع، این سؤال مطرح می‌شود که کدام قدرت در موقعیت برتری برای برپایی ائتلاف‌های آبی به‌منظور محافظت از عموم و آزادی عبور و مرور امن جهانی می‌باشد؟

## ۶. محورهای افول هژمونی آمریکا در منطقه و جهان در دهه‌های آینده

مقام معظم رهبری <sup>مدظله‌العالی</sup> در خصوص دلایل افول قدرت آمریکا به این موضوع اشاره می‌کند که:

«عامل اول که عامل ارزشی بود - یعنی رجحان ارزش‌های غربی بر ارزش‌های ملل دیگر، ادیان، اسلام و غیره - دچار تزلزل شده:

- ۱- بحران رو به افزایش اخلاقی و معنوی در غرب.
  - ۲- عامل دوم میل به مذهب است؛ که این در واقع واکنش به همین عامل اول است.
  - ۳- عامل سوم بروز تعارض‌های عملی با شعارهای غربی است
  - ۴- عامل چهارم، پناه بردن به استفاده‌ی از زور و خشونت و سرکوب بود.
  - ۵- عامل پنجم هم جریان‌سازی‌هایی از قبیل همین جریان القاعده و داعش و مانند اینها. عامل دوم که عامل اقتدار سیاسی و نظامی بود، هم به چالش کشیده شد:
- ۱- مهم‌ترین چیزی که این عامل - عامل اقتدار نظامی و سیاسی - را به چالش کشید، برپایی نظام جمهوری اسلامی بود
  - ۲- قدرت‌های جدیدی هم که در آسیا و در شرق ظهور کردند - مثل قدرت چین، مثل قدرت هند، و امثال اینها - اینها هم ابعاد دیگر قضیه را روشن می‌کند. «بیانات مقام عظمای ولایت در دیدار با اعضای خبرگان رهبری ۱۳/۶/۹۳»
- «در قضیه‌ی سوریه که آمریکایی‌ها می‌خواستند حمله کنند، نتوانستند نزدیک‌ترین دولت به خودشان را هم شریک خودشان کنند در این قضیه؛ یعنی انگلیس‌ها هم گفتند ما شرکت نمی‌کنیم. این درحالی است که وقتی به عراق حمله کردند، حدود چهل دولت با اینها همکاری کردند؛ وقتی به افغانستان حمله کردند، سی و چند دولت با اینها همکاری کردند. [ الان ] آمریکایی‌ها وضعشان این‌جوری است.» ( بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی ۱۲/۸/۹۲ )
- علی ایحال اهم دلایل افول قدرت آمریکا عبارتند از:
- ۱- تمایل قدرت‌های درحال ظهور به تأثیرگذاری و پذیرش بیشتر در نظم بین‌المللی و در نتیجه درگیری دیپلماتیک با آمریکا.
  - ۲- مخالفت روزافزون عموم و نخبگان کشورهای قدرت‌های درحال ظهور با رفتار هژمونیک و تحقیرآمیز و یا مداخله‌های وسیع خارجی آمریکا که به یک تنفر عمومی در جهان تبدیل شده است. مفهوم و رویکرد «مداخله‌گری» در فرهنگ آمریکایی یک منش و رفتار نهادینه شده بوده که می‌طلبد پژوهش جداگانه‌ای پیرامون آن انجام شود. (نگارنده) در این راستا برخی از استراتژیست‌های آمریکایی مانند برژینسکی امروزه از ضرورت بازنگری در سیاست خارجی مداخله جویانه‌ی آمریکا در جهان و تلاش برای ترمیم و احیای وجهه‌ی ازدست رفته آمریکا سخن به میان می‌آورند.
  - ۳- تشدید روزافزون تمایل ملت‌ها و دولت‌ها برای حفظ و حفاظت از حق حاکمیت ملی خود در برابر سلطه جویی آمریکا خصوصاً در شرایط گذار به نظم جدید منطقه‌ای و جهانی.

۴- مشکلات روزافزون آمریکا در بعد اقتصادی و چالش‌های اجتماعی درونی آمریکا ناشی از فروپاشی نظام اقتصادی مبتنی بر ایدئولوژی لیبرالیسم.

۵- رویکرد نظامی‌گری آمریکایی در مناطق مختلف جهان و نسل‌کشی‌های ناشی از آن که بر تنفر مردم جهان حتی در درون آمریکا تأثیری روزافزون دارد.

۶- حمایت آمریکا از رژیم‌های منفور نزد ملت‌ها به دلیل تلاش برای حفظ هژمونی خود در منطقه و جهان و افزایش تنفر روز افزون در نزد مردم جهان.

۷- مفهوم «دیپلماسی دلار» و شکل‌گیری سلطه آمریکا بر جهان با نقش دلار به‌عنوان ارز غالب در دنیا که با تنزل آن از جایگاه جهانی و جایگزینی آن با ارزی دیگر و یا سیدی از ارزشها (مانند یوان چین و یوروی اروپا) نشانه‌ای آشکار و بارز در تنزل موقعیت اقتصادی و در نتیجه هژمونی آمریکا در منطقه و جهان می‌باشد. بر اساس توافق صورت پذیرفته بین چین و ژاپن واحد پول این دو کشور یعنی «یوان» و «ین» واحد پول مأخذ در مبادلات تجاری بین این دو کشور بزرگ آسیا قرار خواهد گرفت. توافق حاصل شده، گام بزرگی است در جهت جهانی شدن «یوان» در مبادلات تجاری بین المللی (بهزادی، ۲۰۱۱).

## ۷. راهبرد اصلی آمریکا، مهار چین

در حال حاضر هدف آمریکا آن است که از هم‌گرایی و نزدیک شدن چین و روسیه به هم، جلوگیری نماید، در این رابطه دو ابزار در اختیار دارد؛ کنترل خط انرژی و وابسته کردن اقتصاد چین به آمریکا. همچنین آمریکا دو سیاست هماهنگ اعلام شده در پیش گرفته است که به نظر می‌رسد هر دو یک هدف اصلی را مد نظر دارند: انتقال بخش‌های اصلی نیروهای دریایی آمریکا به حوزه اقیانوسیه و شرق آسیا و تلاش برای گسترش حضور نظامی در جنوب آسیا (ملازهی، ۱۳۹۱). ریچارد نیکسون رئیس‌جمهور سابق آمریکا در دهه‌ی ۷۰ میلادی پیرامون اهمیت چین در قرن بیست و یکم و استراتژی آمریکا درباره چین می‌گوید:

«تصمیم ما به برقراری یک روابط تازه با چین برای برخی از آمریکائی‌ها نیز که احساس می‌کردند ما با نزدیکی به چین به کمونیست‌ها به اصول دموکراتیک خود خیانت کرده‌ایم ضربه‌ی شدیدی به‌شمار می‌رفت. اما ما هم مثل چینی‌ها راه عملی دیگری برای انتخاب نداشتیم. اگر ما پیش‌قدم نشده بودیم و چین ناچار به مدار شوروی باز می‌گشت، تهدید تجاوز شوروی علیه غرب به مراتب از امروز بزرگتر بود. ... هدف ما در حال حاضر و سال‌های باقیمانده از قرن بیستم باید این باشد که مضمئن شویم چین در قرن بیست و یکم یک گول مستقل خواهد بود؛ لزوماً نه هوادار غرب، اما مسلماً نه طرفدار شوروی» (نیکسون، ۱۹۸۸).

در سال‌های گذشته تمرکز آمریکا در اقیانوس اطلس و دریای سیاه بود، که تمرکز خود را به شمال اقیانوس هند و اقیانوس آرام (چین) قرار داده است. در حال حاضر نیروهای دریایی راهبردی هفتم آمریکا در اقیانوس آرام وارد دریای چین جنوبی و آنجا مستقر شده‌اند. اهداف استقرار ناوگان هفتم آمریکا در مجاورت آب‌های چین:

- ایفای نقش مکملی قدرت برای کشورهای منطقه در تقابل با چین (مانند تایوان، کره جنوبی و سنگاپور)
- افزایش ناامنی در منطقه با تأکید بر تروریسم دریایی (دزدان دریایی، قاچاق کالا، انسان، اسلحه و ...)
- ایجاد معمای امنیتی و ممانعت از تبدیل شدن چین به قدرت جهانی
- دامن زدن به مناقشات منطقه‌ای با هدف تضعیف قدرت منطقه‌ای چین (سخنرانی امیر دریادار دکتر سیاری، ۹۳/۱۰/۱۵).

## ۸. چین - فرصت‌ها

۱- تلاش چین برای تقویت روزافزون برای تقویت ناوگان دریایی خود در بعد تجاری بمنظور گسترش و پیشرفت اقتصادی و در بعد نظامی بمنظور تأمین امنیت و حفاظت از دستاوردهای اقتصادی و ایجاد توازن قدرت با قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی.

۲- تلاش چین برای حضور در آب‌های شمال اقیانوس هند و نزدیکی به خلیج فارس به‌عنوان منبع انرژی جهان.

۳- حضور چین در آب‌های بین‌المللی شمال اقیانوس هند جهت نمایش برتری قدرت دریایی خود در رقابت با هند و از طرفی احتمالاً اطمینان بخشی به کشورهای منطقه در بعد تأمین امنیت آنها به‌عنوان جایگزینی برای آمریکا.

۴- قدرت نظامی چین به‌عنوان یک چالش بزرگ برای آمریکا و شرکای منطقه‌ای آن.

۵- قدرت نظامی چین به‌عنوان عامل برتری چین بمنظور ایجاد توازن قوا و تفوق بر چالش‌های منطقه‌ای خود در منطقه جنوب شرق آسیا.

۶- وجود سازمان منطقه‌ای «شانگهای» با حضور کشورهایمانند چین، روسیه، قزاقستان، ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان با هدف افزایش توانمندی‌های اقتصادی، نظامی و امنیتی که در پس‌زمینه فعالیت‌های خود سعی در کاهش تنش‌ها در منطقه دارد.

۷- رویکرد راهبردی سازمان منطقه‌ای شانگهای برای مبارزه با «اشرار سه گانه» یعنی «تروریسم، افراطی‌گری و جدایی‌طلبی»

۸- تلاش چین برای اجرایی نمودن ایده‌ی کمربند اقتصادی در امتداد جاده ابریشم که اعضای سازمان شانگهای و دولت‌های دیگری که توانایی استفاده از طرح را دارند، شامل می‌شود.

۹- سازمان اقتصادی بریکس متشکل از برزیل، چین، هند، روسیه و آفریقای جنوبی، به‌عنوان کانونی برای شکل‌دهی به یک نظم نوین اقتصادی در جهان در مقابل نظم موجود.

## ۹. چالش‌های چین

۱- تشدید تضاد طبقاتی در چین که عمدتاً ناشی از تغییرات سیاسی و پیشرفت‌های اقتصادی و رشد طبقه متوسط است.

۲- مشکلات زیست محیطی ناشی از توسعه صنعتی.

۳- تجزیه‌طلبی مناطقی چون تبت و سین کیانگ.

۴- چالش‌های ناشی از اصلاحات سیاسی به‌عنوان مطالبه طیف لیبرال و هم‌سوی با غرب

۵- مناقشات مرزی چین که عبارتند از:

- چالشی با تایوان بر سر تابعیت به‌عنوان یکی از استان‌های چین
- اختلاف مرزی با ژاپن بر سر سلسله جزایر دیانو
- چالش در دریای چین جنوبی ویتنام، مالزی، برونئی، تایوان و ادعای مالکیت چین بر کل دریا و ۷۵۰ جزایر در دریا
- اختلاف مرزی با ویتنام برای جزایر پاراسل
- اختلاف مرزی فیلیپین بر سر سواحل کم عمق توماس، آب‌های ساحل اسکار بورو و تپه‌های سنگی جزایر اسپراتلی
- اختلاف مرزی با هند در طول مرزی ۶۴۰۰ کیلومتری در هیمالیای (سخنرانی امیر دریادار دکتر سیاری، ۹۳/۱۰/۱۵).

بیشترین اختلاف مرزی دریایی بوده و بستر مناسبی برای حضور آمریکا جهت تعمیق چالش‌های چین.

۶- بحران آفرینی‌های آمریکا و هم‌پیمانانش. در یک سناریو آمریکایی‌ها معتقدند که «بحران‌هایی که ممکن است در چارچوب زمانی ۲۰۳۰م. رخ دهد (همچون اتحاد دو کره یا یک

رویارویی پرتنش میان آمریکا و چین بر سر تایوان) ممکن است منجر به مطالباتی برای تداوم مشارکت آمریکا در سطحی بالا شود.» (وخشیته، ۱۳۹۲: ۲۱۰) بنابراین چرخش راهبرد نظامی آمریکا از اقیانوس اطلس به اقیانوس آرام بمنظور کنترل و یا رویارویی نظامی با چین از ۲۰۱۲ به بعد از این منظر قابل تحلیل بوده و درگیری نظامی دور از انتظار نخواهد بود.

۷- وجود بازیگران توانمند اقتصادی آسیایی هم‌سو با غرب در منطقه جنوب شرقی آسیا مانند ژاپن و کره جنوبی

### ۱۰. چین - آمریکا: سناریوهای محتمل

در این مرحله گذار و تلاش قدرت‌های جهانی - اعم از قدرت‌های موجود و قدرت‌های در حال ظهور- وضعیت رابطه آمریکا و چین در شکل‌گیری و حتی شکل‌دهی به مناسبات قدرت و هژمونی جهان آینده بسیار تعیین کننده خواهد بود. که در این راستا سناریوهای محتمل عبارتند از:

۱- همکاری چین و آمریکا برای حفاظت از منافع متقابل در عین رقابت با یکدیگر. این رویکرد تفاوت بسیاری با دوره جنگ سرد و رقابت آمریکا با شوروی خواهد داشت. مهمترین شاخصه آن رقابت غیر ایدئولوژیک چین با آمریکا بوده و صرفاً رقابتی بیشتر اقتصادی خواهد بود. در این حالتی خواهد بود که اولاً آمریکا توانایی حفظ موقعیت خود در ابعاد اقتصادی و امنیتی را در منطقه و جهان داشته باشد. که این سناریو خوشبینانه‌ترین حالت برای آمریکایی‌هاست. بدترین حالت مورد پیش‌بینی آمریکایی‌ها ادامه روند فعلی و نزول شدید اقتصادی آنها بوده که در این حالت معتقدند «آمریکا موقعیت خود را به هژمونی منطقه‌ای چین و هند در آسیا و روسیه در اوراسیا خواهد باخت. ثانیاً چین با توجه به روند رو به پیشرفت اقتصادی و امنیتی خود در منطقه و جهان حاضر به پذیرفتن این همکاری متقابل باشد.

۲- چین به دنبال تغییر نظم بین‌المللی بوده و رویکردی تجدید نظر طلبانه را در خصوص ادامه بازیگری در نظم فعلی بین‌الملل در پیش بگیرد. تغییر نظم بین‌المللی از سوی چین دو صورت خواهد داشت: ۱- تغییر این نظم در نتیجه یک طراحی بزرگ توسط چین. ۲- تغییر این در نتیجه رخدادهای داخلی و خارجی بین‌المللی و احتمالاً بیشتر در نتیجه رخدادهای داخلی و خارجی خواهد بود تا پیامدهای یک طراحی بزرگ.

همچنین آمریکا دو سیاست هماهنگ اعلام شده در پیش گرفته است که به نظر می‌رسد هر دو یک هدف اصلی را مد نظر دارند: ۱- انتقال بخش‌های اصلی نیروهای دریایی آمریکا به حوزه اقیانوسیه و شرق آسیا و ۲- تلاش برای گسترش حضور نظامی در جنوب آسیا.

## ۱.۱. سناریوهای چین برای شکل‌دهی نظم «چین محور» در بعد نظامی

۱- برای پیشبرد اهداف خود (در ابعاد اقتصادی، تأمین امنیت خود و ...) رویکردی تهاجمی به خود بگیرد.

۲- برای انحراف اذهان از مشکلات داخلی تحرکات منطقه‌ای و نسبتاً بین‌المللی خود خصوصاً در آب‌های آزاد (مانند اقیانوس آرام و اقیانوس هند) روی بیاورد.

۳- احتمال درگیری با یکی از همسایگان خود که با پیروزی در آن یک نظم چین محور را در منطقه شکل دهد. نکته مهم آنکه در صورت شکست در این درگیری تضعیف موقعیت چین حتمی خواهد بود لذا برای وقوع درگیری دو سناریو محتمل است:

۳/۱- اول؛ درگیری ناخواسته‌ای که ممکن است از سوی رقباء خصوصاً آمریکا برای مهار قدرت روز افزون چین با تحریک یکی از همسایگان همسو با غرب (مانند ژاپن یا کره) بر مبنای چالش‌های موجود در منطقه، مانند اختلافات چین با کره و تایوان بر سر جزایر سنکاکو بر چین تحمیل شود.

۳/۲- سناریوی دوم؛ شکل دهی یک درگیری توسط خود چین براساس چالش‌های منطقه‌ای برای تثبیت موقعیت خود. که با توجه به رویکرد محافظه‌کارانه چین نسبت به شرایط گذار منطقه‌ای و جهانی به نظر می‌رسد سناریوی اول محتمل‌تر خواهد بود.

## ۱.۲. بُعد منطقه‌ای

### ۱-۱۲. چین - روسیه

بالطبع، طبیعت خصمانه غرب مقابل روسیه، رشته‌های روابط میان اعضای این سازمان که بر رد هرگونه هیمنه و سیطره‌ی غربی، بویژه نسبت به سازمان‌های جهانی، مانند بانک بین‌المللی و صندوق جهانی پول که در کشور آمریکا قرار دارند، توافق کرده‌اند را تقویت بخشیده است؛ در حال حاضر، سازمان همکاری شانگهای و سازمان بریکس، مهم‌ترین طرف بین‌المللی در مقابله با نظام امپریالیسم جهانی هستند. سازمان همکاری بریکس متشکل از: برزیل، چین، روسیه، هند، آفریقای جنوبی و ایران با ذخایر ارزی ۴/۴ تریلیارد دلار سرمایه ۴۳ درصد ذخایر ارزی جهان را در اختیار داشته و اقدام به تشکیل صندوق و بانک بریکس با سرمایه هر کدام ۱۰۰ میلیارد دلار با رویکرد ایجاد یک نظم نوین اقتصادی در جهان نموده است. در همین رابطه و در جهت تقویت جایگاه روسیه و چین در مقابل غرب، پوتین، در اجلاس شهریورماه ۹۳ شانگهای در شهر دوشنبه، پیشنهاد داد، چین و روسیه باید زمینه‌های همکاری در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی را تقویت نمایند و تقویت جایگاه سازمان همکاری شانگهای، هدف مشترک و مناسبی برای روسیه و چین، در تشکیل

ائتلاف امنیتی-آسیایی مستقل از غرب استعمارگر به حساب می‌آید(سرویس بین الملل باشگاه خبرنگاران؛ به نقل از روزنامه تشرین).

## ۱۲-۲. چین - آسیای مرکزی

چین در گسترش روابط با کشورهای آسیای مرکزی پنج جنبه مهم را مد نظر قرار داده است: نخست، استراتژیست‌های چینی متوجه شده‌اند که اهمیت استراتژیک کشورهای آسیای مرکزی افزایش خواهد یافت و این منطقه نفوذ قابل توجهی در جهان قرن بیست و یکم خواهد داشت. به نظر سیاستمداران چینی ائتلاف میان هر یک از کشورهای آسیای مرکزی با هر یک از قدرت‌های منطقه‌ای بر ساختار سیستم بین‌المللی تأثیر خواهد گذاشت. اگر کشورهای آسیای مرکزی با همسایگان جنوبی‌شان هماهنگ و همدل باشند، این امر دخالت در منطقه را برای ایالات متحده و قدرت‌های غربی دشوار خواهد کرد و مزایای اقتصادی بالقوه حضور در منطقه را کاهش خواهد داد. اگر کشورهای آسیای مرکزی تا حد زیادی با کشورهای غربی متحد شوند، آن‌گاه منافع سیاسی و اقتصادی روسیه لطمه خواهد دید.

در نگاه دوم، چین آسیای مرکزی را در چارچوب اوراسیا مدنظر قرار می‌دهد. آنها نه فقط از جهت جغرافیایی بلکه از نظر سیاسی و فرهنگی نیز یک نقش ارتباطی دارند. آسیای مرکزی را می‌توان "پلی" میان شرق و غرب نامید. چین شدیداً به ثبات و رفاه منطقه علاقه‌مند است.

سوم آنکه به گسترش دو جانبه و فرامرزی با کشورهای آسیای مرکزی اولویت بالایی می‌دهد. هر چه این روابط گسترده‌تر و نزدیک‌تر شوند، به نفع منافع دو جانبه خواهد بود و به ثبات و آبادانی منطقه کمک خواهد کرد.

چهارم آنکه چین روابط خود با کشورهای آسیای مرکزی را از منظر ثبات و توسعه سین کیانگ مدنظر قرار می‌دهد.

پنجم اینکه چین از زمانهای قدیم ارتباط دوستانه‌ای با کشورهای آسیای مرکزی داشته است. جاده ابریشم پیوندهای نزدیکی میان چین و مردم آسیای مرکزی برقرار کرد.

علاوه بر این رشد سریع اقتصادی این کشور و احتیاج روزافزون به انرژی، تصمیم گیرندگان را ناچار به بررسی مسیرهای جدید انتقال انرژی به این کشور آسیای مرکزی ساخته است.

کشورهای آسیای مرکزی که بیش از ۳ هزار کیلومتر با چین مرز مشترک دارند یکی از منابع اصلی تامین انرژی این کشور خواهد بود. علاوه بر موضوع تامین انرژی، حجم مبادلات بازرگانی بین چین و این جمهوری‌ها در حال گسترش بوده و این منطقه تبدیل به بازار مناسبی برای کالاهای چینی شده است(صفی الله شاه قلعه،سایت اشراف،۹۲/۲/۳۱).



## ۱۲-۳. چین - هند: شباهت‌ها و تفاوت‌ها

چشم‌انداز پیش رو بسیار پرواضح می‌سازد که کشورهای چین و هندوستان از وجاهت قرار گرفتن در زمره قطب‌های برتر اقتصادی در گستره جهانی برخوردار هستند. چین و هندوستان به عنوان دو محور از مربع اقتصادی آسیا که متشکل از کشورهای ژاپن و کره متحد نیز است در دو دهه آینده از جایگاه شامخ جهانی در رابطه با توانمندی‌های اقتصادی بهره‌مند خواهند شد. ماهیت روند اقتصادی در چین متأثر از توسعه سیاسی و در هندوستان متأثر از توسعه اجتماعی خواهد بود.

استراتژی توسعه اقتصادی در هندوستان برخلاف چین، اولاً اینکه مرکز محور و وابسته به ملاحظات سیاسی رهبران نیست و از سویی دیگر کیفیت توسعه در این کشور کاملاً برآمده و متأثر از شرایط محلی، نیازهای منطقه‌ای، منابع در دسترس و معادلات اقتصادی است. استراتژی اقتصادی هندوستان به دلیل اینکه در بستر چانه‌زنی‌های گروه‌های مختلف اجتماعی، توجه به ظرفیت‌های مدیریتی و مقوله‌های موثر در حیات بخشیدن به برنامه‌ریزی‌های اقتصادی شکل گرفته است در کوتاه مدت به وضوح در برابر واقعیات اقتصادی داخلی و جهانی آسیب‌پذیر و در بلند مدت به گونه‌ای انکارناپذیر با ثبات‌تر، پایدارتر و نزدیک‌تر به معادلات اقتصادی خواهد بود.

هندوستان به عنوان یک قدرت اقتصادی در آینده یک واقعیت و بسیار نزدیک به مدل اقتصادی آمریکا خواهد بود. به این معنا که هر منطقه جغرافیایی در یک حیطه خاص اقتصادی از برتری برخوردار خواهد بود. بخش‌های خدماتی در جغرافیایی متفاوت با بخش‌های کشاورزی و صنعتی خواهند بود. در حالی که مدل توسعه چین نزدیک تر به کشوری مانند فرانسه خواهد بود (دهشیار، ۱۳۸۷).

## ۱۲-۴. چین، خلیج فارس و شمال اقیانوس هند

«هرکس اقیانوس هند را کنترل کند بر آسیا تسلط می‌یابد. در قرن بیست و یکم این اقیانوس کلید هفت دریاست» (دریادار ماهان ۱۸۹۰).

اهمیت خلیج فارس برای چین را می‌توان در دو دوره قبل از فروپاشی و بعد از فروپاشی شوروی سابق بررسی نمود. برخلاف سیاست قدرت‌های بزرگ مانند آمریکا که بیشتر برای تامین منافع اقتصادی به اجرا درمی‌آید، سیاست چین قبل از فروپاشی شوروی در پی دستیابی به هدف‌های سیاسی و عمدتاً در جهت ایجاد جبهه‌ای در برابر نفوذ شوروی در آسیا و آفریقا قابل ارزیابی است. بررسی گذشته سیاست‌های چین در منطقه خلیج فارس نشان می‌دهد که در میان دلایل گوناگون، این کشور به علت اشغال بازارهای کشورهای منطقه توسط غربی‌ها از یک سو و نداشتن امکانات

مالی و اقتصادی از سوی دیگر نتوانسته تا روابط پراهمیتی با کشورهای منطقه برقرار نماید. اما چشم انداز این روابط پس از فروپاشی شوروی تغییر یافت.

همکاری‌های انرژی مهمترین جنبه‌ی گسترش روابط چین و کشورهای حوزه خلیج فارس می‌باشد. در خلال دهه‌ی ۹۰ همکاری‌های انرژی بعنوان پدیده‌ای برجسته در روابط چین - خلیج فارس بوجود آمد. افزایش این رابطه قسمتی از الگوی در حال تغییر بازارهای جهانی انرژی است که در آن کشورهای آسیا-پاسفیک تبدیل به بهترین خریداران کشورهای تولیدکننده انرژی می‌شوند (پیش‌گامی فرد و زارع‌گاریزی، ۱۳۸۲: ۴۳ و ۴۴).

در حال حاضر روزانه ۱۷ میلیون بشکه از طریق تنگه هرمز، ۱۰ میلیون بشکه از تنگه مالاکا و ۳ میلیون بشکه از باب المندب صادر می‌شود که باتوجه به مصرف نفت روزانه چین که ۸۹۴۰۰۰ بشکه در روز بوده و تولید چین ۴۲۸۹۰۰۰ می‌باشد، بنابراین ۵۰ درصد از نیازمندی چین از طریق خلیج فارس تامین می‌شود. لذا امنیت شمال اقیانوس هند برای چین بسیار مهم است و برای آن به ایران و امنیت تنگه هرمز نیاز دارد (سخنرانی امیر دریادار دکتر سیاری، ۱۵/۱۰/۹۳).

## ۱۲-۵. چین، پاکستان و افغانستان

نگاهی عمیق‌تر به رفتارشناسی چین در حوزه دیپلماسی و سیاست خارجی پس از ۱۹۹۰ و تثبیت قدرت این کشور و همچنین تلاش برای تاثیرگذاری در محیط‌های پیرامونی، نشان دهنده پیچیدگی فزاینده طرح‌ریزی‌های استراتژیکی این کشور و عملگرایی بسیار آگاهانه چین برای تحقق سه ضلعی استراتژیک دیپلماسی این کشور یعنی دیپلماسی مدیریت روابط همسایگان، به منظور زدودن فضاهاى نفوذ بازیگران رقیب به خصوص هند و آمریکا، دیپلماسی انرژی و نهایتاً دیپلماسی قدرت بزرگ بوده است. این سه شاخه از دیپلماسی که در فوق ذکر آن رفت، پایه‌های سه گانه دیپلماسی جاری چین و سیاست هوجین تائو را تشکیل می‌دهد که عموماً باید در لوای استراتژی توسعه صلح آمیز غیر تهدید آمیز، به خصوص از طریق روابط اقتصادی دوجانبه و شکل‌دهی به ائتلافات همسوی منطقه‌ای مانند بحث تشکیل «گروه پامیر» در منطقه به منصفه ظهور برسد. طبیعتاً جایگاه افغانستان را در استراتژی کلان چین نیز باید از دریچه «سه گانه دیپلماسی» چین که در فوق ذکر آن رفت نگریست و بر آن مبنا ماهیت روابط و تعاملات این دو بازیگر و همچنین بازیگران همجوار یعنی هند و پاکستان و چگونگی تاثیرگذاری و اهداف آنان را در افغانستان که به عبارتی می‌تواند «کشمیر جدید» منطقه باشد، تحلیل و بررسی کرد.

در کنفرانس شانگهای نیز که در ۱۵ ژوئن ۲۰۱۱ در آستانه قزاقستان برگزار شد، بحث همکاری و تشکیل اتحاد سه جانبه بین پاکستان، افغانستان و چین نیز مطرح بود و حتی اصطلاح «گروه پامیر» را به این اتحاد سه جانبه اطلاق کردند. طبیعتاً چین تمایل دارد تا با حرکت بیشتر و نزدیک‌تر

به سمت تقویت اتحاد سه جانبه و همراه کردن افغانستان و پاکستان، علاوه بر اینکه بتواند مدیریت چالش‌های امنیتی منطقه‌ای را عهده دار شود، از کارت بازی این بازیگران در مناسبات خود با هند و آمریکا به عنوان دو قدرت رقیب نیز نهایت استفاده را ببرد (زارع، ۱۳۹۰).

از یک منظر نیز اهمیت پاکستان برای چین کم شدن ۴۰۰۰ کیلومتر با بهره‌گیری از خط آهن چین تا ورود به خلیج فارس است در حال حاضر این فاصله از طریق دریا ۱۴۰۰۰ کیلومتر است که از طریق خط آهن تا پاکستان ۴۰۰۰ کیلومتر کم می‌شود.

## ۱۲-۶. چین، جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران

«باید چه کار کنیم؟ به نظر ما دو مطلب، مهم است: مطلب اول این است که این واقعیت‌هایی که امروز مشاهده می‌کنیم، واژگونه تحلیل نشود، غلط تحلیل نشود، غلط فهمیده نشود، همچنان که هست فهمیده بشود؛ نه فقط در کشور ما [بلکه] در منطقه‌ی آسیا. کار دومی که مهم است، این است که خودمان را آماده کنیم برای ایفای نقش در پدید آوردن نظم جدید؛ کشور را آماده کنیم برای اینکه نقش آفرینی کند. و این هم ممکن نخواهد شد مگر با قوی کردن کشور؛ کشور را باید قوی کنیم. سه موضوع هم در تقویت کشور بسیار نقش دارد: یکی مسئله‌ی علم و فناوری است، یکی مسئله‌ی اقتصاد است، یکی مسئله‌ی فرهنگ است.» (بیانات مقام عظمای ولایت در دیدار با اعضای خبرگان رهبری ۱۳/۶/۹۳).

۱- جمهوری اسلامی ایران، به لحاظ موقعیت جغرافیایی در آسیای جنوب غربی (که محدوده‌ی پیشرفت ایران در سند چشم انداز افق ۱۴۰۴ می‌باشد)، قرار گرفته است. قرار گرفتن ایران در این منطقه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک از جهان که محل تلاقی و راه ارتباطی اروپا به جنوب و جنوب شرق آسیا- مکان زندگی بیش از یک سوم جمعیت جهان- و پل ارتباطی میان سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا بوده و امکان دسترسی کشورهای آسیای مرکزی به آبهای آزاد را فراهم می‌سازد، ایران را خواسته یا ناخواسته در متن تحولات مهم جهان قرار می‌دهد.

۲- هارتلند نقطه‌ای مکیندر از بین رفته و هارتلند جهانی جای آن را گرفته است. هارتلند نظامی جای خود را به هارتلند اقتصادی مبتنی بر منابع نفت و گاز در جهان داده است.

۳- در حال حاضر دنیا دو هارتلند نفت و گاز بیشتر ندارد که مرکز هر دوی آنها ایران است. پس هارتلند جهان ایران است و هارتلند دیگری در بحث ژئواکونومی نداریم. (عزتی، ۱۳۹۲)

۴- برآوردهای آمریکایی‌ها نشان می‌دهد که در سال ۲۰۵۰م. دو کشور در جهان دارای منابع فسیلی می‌باشند؛ عراق نفتی و ایران گازی.

۵- قرار گرفتن دو محور اصلی ضدغرب جهان منطبق بر دو هارتلند اقتصادی جهان (ایران و روسیه) که باتوجه به اینکه ایران تنها محور تقابلی ایدئولوژیک با آمریکا در جهان می‌باشد، اولویت اول با جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. «شی جین پینگ» رئیس جمهوری چین نیز جایگاه مهم ایران در منطقه و جهان را یادآور شد و گفت: چین خواهان روابط استراتژیک با ایران است. رئیس جمهوری چین همچنین از سفر خود به جمهوری اسلامی ایران در سال آتی خبر داد. (خبرگزاری ج.ا.ا. ۱۳۹۳/۶/۲۱)

### ۱۳. چین، آمریکا و ایران

با بررسی تغییر و تحولات منطقه‌ای با رویکرد ژئوپلیتیکی موارد ذیل پیرامون بازیگری چین و آمریکا در خصوص ایران قابل مشاهده می‌باشد:

۱. تلاش آمریکا و هم پیمانان منطقه‌ای آن مانند امارات و عربستان برای دور ساختن چین از ایران از طریق افزایش صادرات نفت خودبه چین در راستای راهبرد منزوی ساختن و افزایش فشارها بر ایران از جمله راهبردهای غرب علیه ایران و همسوساختن چین در برنامه‌های بین‌المللی خود بوده است.

۲. ائتلاف و هم‌سویی سه قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی آسیایی روسیه، چین و ایران در مقابل غرب برای اولین بار در جهان. با بهره‌گیری از نظریه برخورد تمدن‌های هانتینگتون به نظر می‌رسد؛ زمان یکه تازی تمدن غرب به پایان رسیده است و سه تمدن شرقی در رویکردی هماهنگ و با همگرایی زیاد، به مصاف با تمدن غرب آمده‌اند. این سه تمدن (اسلامی با محوریت ایران، ارتودوکس با محوریت روسیه، و کنفوسیوس با محوریت چین) اکنون رقبای جدی تمدن غرب با محوریت آمریکا هستند.

۳. رویکرد راهبردی چین به ایران: «شی جین پینگ» رئیس جمهوری چین؛ چین خواهان روابط استراتژیک با ایران است. (خبرگزاری ج.ا.ا. ۱۳۹۳/۶/۲۱)

۴. برنامه‌ریزی شده تا حجم سرمایه‌گذاری چین در ایران به ۱۰ میلیارد دلار برسد و بر همین اساس سیاست‌های اقتصادی مقاومتی استراتژی مناسب برای بنگاه‌ها و صادرات تدوین شود.

۵. چین در حال حاضر نیاز به هشت میلیون بشکه نفت در روز دارد که تا پایان سال ۲۰۳۰ این میزان به ۲۰ میلیون بشکه در روز افزایش خواهد یافت [...] کارشناسان نفتی می‌گویند چین ایران را به‌عنوان یک شریک مهم در استقلال انرژی خود در نظر می‌گیرد و بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های این کشور به مرحله بازدهی نرسیده است،

بنابراین پشت کردن به فرصت‌های اقتصادی در ایران برای چین واقع بینانه به نظر نمی‌رسد.

## ۱۴. نتیجه‌گیری

ایران به دلیل قرارگرفتن در شاهراه اقتصادی و امنیتی شرق و غرب عالم باید به منظور رهایی از وضعیت و موقعیت منطقه‌حایلی و ارتباطی؛

۱- از درگیرشدن در منازعات آنها و قرارگرفتن در یک طرف منازعه پرهیز نماید.

۲- بی‌طرفی ایران در مسائل و منازعات منطقه‌ای قانع‌کننده نبوده و به تشدید موقعیت ضعیف حایلی آن انجامیده و توسط قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی بلعیده خواهدشد. مانند آنچه که در جنگ جهانی اول و دوم به دلیل ضعف قدرت ملی ایران اتفاق افتاد.

ایران ناچاراست که برای پیشبرد اهداف عالی نظام و انقلاب اسلامی، با رویکرد دکترین مهدویت و ظلم ستیزی در عالم، بطور مستقیم و غیر مستقیم در منطقه و جهان نقش فعال ایفاء نماید.

## ۱۴-۱. الگوی مناسب دیپلماسی دریایی باچین

بطور کلی می‌توان قدرت دریایی را در سه عرصه «ناوگان نظامی»، «ناوگان تجاری» و «صنایع علوم و زیر ساختاری دریایی» خلاصه نمود. باتوجه به روند رو به رشد قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران درسه عرصه فوق اثر گذاری نیروی دریایی راهبردی در گسترش و تقویت دیپلماسی کشور (دیپلماسی دریایی) یکی از ظرفیت‌های بسارمناسب در گسترش عمق نفوذ کشور در منطقه و عرصه بین‌المللی در راستای؛ توسعه روابط و مناسبات خارجی، امتدادهای عمقی و شکست راهبرد ایران هراسی دشمن بوده که این معادله باچین بعنوان کشوری که علائق و منافع مشترک تاریخی، فرهنگی و اقتصادی با ایران دارد، می‌تواند بسیار مؤثر باشد. در «دیپلماسی دفاعی نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران» با چین اشتراکات ذیل قابل ذکر می‌باشد:

- وجود تهدیدات مشترک.
- وجود سیاست تقابل با آمریکا.
- تأکید بر امنیت دریایی مناطق دریایی مورد علاقه.
- نیازمندی متقابل در به اشتراک گذاشتن ظرفیت‌های موجود.
- وجود اشتراکات دریایی.

- وجود ظرفیت‌های همکاری مشترک که عبارتند از «ظرفیت‌های علمی و آموزشی»، «ظرفیت‌های فنی و خدمات دریایی»، «ظرفیت‌های عملیاتی» و «ظرفیت‌های پشتیبانی از سیاست‌های دریایی» می‌باشد (سیاری، ۱۳۹۳/۱۰/۱۵).

## ۱۴-۲. نتایج الگوی تحلیلی (نظریه‌ی برخورد تمدن‌های هانتینگتون)

براساس الگوی تحلیلی پژوهش، در آینده‌ای نه چندان دور چین ناگزیر از قراردادن دو گونه اقدامات راهبردی در منطقه شمال اقیانوس هند و خلیج فارس در دستور کار خواهد بود:

### ۱- اقدامات راهبردی چین مبتنی بر حضور مستقیم

- حمایت و حفاظت از منافع اقتصادی خود در منطقه.
- ایجاد توازن در قدرت منطقه‌ای در رقابت با هند و روسیه.
- اطمینان بخشی به کشورهای همسو در توانمندی ایجاد امنیت منطقه‌ای به‌عنوان جایگزینی برای توان امنیتی آمریکا در منطقه
- گسترش حوزه نفوذ امنیتی و اقتصادی خود در منطقه.
- اثبات توانمندی‌های نظامی خود خصوصاً توانمندی‌های دریایی در مقابل رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای.

### ۲- اقدامات راهبردی چین مبتنی بر حضور غیرمستقیم

- ایجاد پیمان‌های نظامی - امنیتی با کشورهای همسو یا ضدغرب دارای قدرت منطقه‌ای.
- تأمین امنیت خطوط انتقال انرژی مورد نیاز خود در دهه‌های آینده در خلیج فارس.
- تقویت ارتباطات و مناسبات منطقه‌ای (آسیا) در مقابل آمریکا و غرب.
- کاهش هزینه‌های سیاسی - امنیتی حضور مستقیم.

## ۱۴-۳. نتایج بر اساس الگوی ارزیابی

با توجه به مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و متغیرهای تغییر محیط امنیتی در ابعاد جهانی و منطقه‌ای؛ وضعیت قدرت‌های درحال ظهور در آسیا در شرایط بی‌ثباتی دوره‌ی گذار به سر برده و مبتنی بر میزان و توان بازیگری بازیگران اصلی منطقه‌ای و جهانی، در دو بعد تغییرات ساختارسیاسی فضا و تغییر الگوهای رقابت و همکاری، در آینده به شکل‌گیری الگوی جدیدی از موازنه‌ی قدرت در سطح منطقه‌ای منجرشده و زمینه تغییر در موازنه قدرت در سطح جهان را فراهم خواهد نمود.

## منابع

- بهزادی، شاهرخ (۲۰۱۱). «استراتژی چین برای جهانی کردن یوان، واحد پول این کشور»، سه شنبه ۲۷ دسامبر ۲۰۱۱، سایت دیپلماسی ایرانی.
- پیش‌گامی‌فرد، زهرا؛ زارع‌کاریزی، افسر (۱۳۸۲). «ژئوپلی نومی خلیج فارس و استراتژی اقتصادی چین و ژاپن»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۸۶، زمستان، صص ۴۳-۴۴.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۰). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. چاپ سوم، مشهد: انتشارات پابلی.
- خبرگزاری ج.ا.ا. ۹۳/۶/۲۱. دیدار روسای جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین ظهر جمعه در حاشیه اجلاس شانگهای در تاجیکستان.
- دهشیار، حسین (۸ خرداد ۱۳۸۷)، روزنامه کارگزاران.
- زارع، محمد (۱۳۹۰). «استراتژی پسا آمریکایی چین در افغانستان»، ۱۰ اسفند ۱۳۹۰، سایت دیپلماسی ایرانی.
- سخنرانی امیر دریادار دکتر سیاری، ۹۳/۱۰/۱۵، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- سرویس بین الملل باشگاه خبرنگاران؛ به نقل از روزنامه تشرین، شهریور ۹۳.
- صفی‌الله شاه قلعه، سایت اشرف، ۹۲/۲/۳۱.
- ماکسیم پی (۱۳۸۶). نیمه تاریخ چین، ترجمه مرکز بررسی‌های استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، گروه مطالعات آسیا، نشریه کشورهای آسیایی شماره ۶، خرداد.
- مجموعه بیانات مقام معظم رهبری، سایت: [KHAMENEI.ir](http://KHAMENEI.ir).
- ملازهی، پیرمحمد (۱۳۹۱). «استراتژی مهار چین»، سایت دیپلماسی ایرانی، ۹۱/۴/۶.
- نیکسون، رچارد (۱۹۸۸). پیروزی بدون جنگ. ترجمه فریدون دولتشاهی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- وخشیته، احمد (۱۳۹۲). ۲۰۳۰ در نگاه شورای اطلاعات ملی آمریکا. بیروت: انتشارات امجد.

Research Article

***An introduction to China's strategies with an emphasis on the geopolitical position of the Islamic Republic of Iran in the Persian Gulf and the northern Indian Ocean***

**Haider Moghdisi<sup>1</sup>**

Date of received: 2023/07/16

Date of Accept: 2023/08/06

**Abstract**

The rapid and complex changes and transformations of regional and global interactive patterns, and the attempt to shape these equations since the collapse of the former Soviet Union, which has produced different patterns in the international structure in the theories of thinkers in this field, are among the strategic issues that It has aroused sensitivities in all kinds of regional and global actors, including governments, institutions, influential persons, etc., and set priorities to influence these changes and developments in order to secure their future interests and Defining their role in the model of the future order of the world is on their agenda. In the meantime, "China" as one of the main players in this field has been observed and monitored by different actors at the regional and global levels and has been investigated from various angles. This article, by using the mixed method (documents and content analysis) while examining China's different model positions in the international and regional dimensions, explains and predicts the possible strategies of this country in the West Asian region, especially the northern Indian Ocean and The Persian Gulf is based on the geopolitical position of the Islamic Republic of Iran. This research, using the two theoretical models of Huntington's "clash of civilizations" and Dr. Hafez-Nia's "pattern of regional and international geopolitical changes and developments", as the basis of strategic analysis and evaluation of the research, two categories of strategies China's "direct presence" and "indirect presence" in the region as well as the conditions of regional transition have been evaluated.

**Keywords:** Geopolitical changes and developments, new world order, Iran's geopolitics, maritime diplomacy, America's decline.

**Citation (APA 6th ed. / APSA)**

Moghdisi, Haider(Winter 2024). "An introduction to China's strategies with an emphasis on the geopolitical position of the Islamic Republic of Iran in the Persian Gulf and the northern Indian Ocean". *Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media*. Vol. 6, Num. 4, S.No. 24, pp. 147 - 172.

---

<sup>1</sup>. Doctoral student of Strategic Management at the Higher National Defense University. Tehran Iran. Email: heydar.m2013@gmail.com

Copyright © 2010, KSSI (Karimeh Strategic Studies Institute Of Shiraz). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.



## References

- Behzadi, Shahrokh (2011). "China's strategy to globalize the yuan, the country's currency", Tuesday, December 27, 2011, Iranian diplomacy website. (in Persian)
- Pishgami Fard, Zahra; Zare Garizi, officer (2012). "Geopolymy of the Persian Gulf and the economic strategy of China and Japan", Geographical Researches, No. 68, Winter, pp. 43-44. (in Persian)
- Hafez Nia, Mohammad Reza (2018). Principles and concepts of geopolitics. 3rd edition, Mashhad: Popeli Publications. (in Persian)
- JA News Agency 6/21/93. The meeting of the presidents of the Islamic Republic of Iran and the People's Republic of China at noon on Friday on the sidelines of the Shanghai Summit in Tajikistan. (in Persian)
- Deshyar, Hossein (Khordad 8, 1387), Kargazaran newspaper. (in Persian)
- Zare, Mohammad (1390). "China's post-American strategy in Afghanistan", March 10, 2018, Iranian Diplomacy website. (in Persian)
- Amir Daryadar Dr. Sayari's speech, 15/10/93, Higher National Defense University. (in Persian)
- International Service of Journalists Club; Quoted in Tasherin newspaper, Shahrivar 1993. (in Persian)
- Safiullah Shah Qala, Ashraf website, 2/31/92. (in Persian)
- Maxim P. (1386). The Dark Half of China, translated by the Center for Strategic Studies of the Expediency Council, Asian Studies Group, Journal of Asian Countries No. 6, Khordad.
- A collection of statements by the Supreme Leader, website: KHAMENEI.ir.
- Molazhi, Pir Mohammad (2012). "China containment strategy", Iranian diplomacy website, 4/6/91. (in Persian)
- Nixon, Richard (1988). Victory without war. Translated by Fereydoun Dolatshahi, Tehran: Information Publications.
- Vakhshite, Ahmad (2013). 2030 in the eyes of the American National Intelligence Council. Beirut: Amjad Publications. (in Persian)

پروفیسر کاہنشاہ علوم اسلامی و مطالعات قرآنی

برائے اعلیٰ تعلیم اسلامی